

آن تویی گفت به از بسیاری که شکر آن تویی گفت باز گفت
 یا رسول الله دعا کن که خدای تعالی مرا مال بسیار دهد رسول الله
 علیه و سلم فرمود که اللهم ارزقه ما لا بعد از آن کو سفینه خیر خرید
 خدای تعالی امر ابراهیمی داد که مدینه نجاشی آن نه است از مدینه
 بیرون رفت روزی رسول الله علیه و سلم حاضر شد و
 بی سینه کو سفندان وی زیادت شد و در تررت جنانکه از
 تا جمع مسیری حاضر شد چون کو سفینه پیشتر شد بجای رفت که یک کعبه
 جماعت حاضر می توانست شد چون رسول الله علیه و سلم
 جنه وقت ویر اندید حال وی پرسید خبر وی چنانکه بود بار
 رسول الله علیه و سلم فرمود که وای تعلیم بن حاطب بعد از آن
 خدای تعالی زکوة ترا فریضه کرد رسول الله علیه و سلم دو کس را
 فرمود تا زکوة بگیرند و ایستاد گفت که تعلیم و لمردی از بی سلیم
 بگذرید چون تعلیم رسیدند و از وی طلب زکوة کرده گفت
 کنای که در این بن نماند چون بوی نمودند گفت این نسبت مگر خیر
 حال او دید تا از دیگران فارغ شوند ایشان فرستند چون آن مرد

سلی خیر ایشان شنید استقبال کرد و بهترین شکران خود را
 بجهت زکوة بخش ایشان آورد گفتند آنچه بر تو وصیت فرود
 ترا نیست گفت اینها بگیر که میخواهم که به بهترین مال خود بخدای
 تعالی تقرب جویم چون دیگر بار پیش تعلیم رفتند گفت کتاب
 خود را بمن بنمایند بوی نمودند گفت نیست این مگر خیر شما
 بر دیدن تا من درین باب فکر کنم ایشان فرستند چون بدیدند
 رسول الله علیه و سلم ایشان را دید و پیش از آنکه ایشان سخن
 گویند فرمود که وای تعلیم بن حاطب و آن مرد سلمی را برکت دعا
 کرد خدای تعالی در شان تعلیم است و سعاد که و منعم علی
 الی قوله و یا کافوا بیکم بون خویشان تعلیم از ایشانند و بر اگاه
 کردند و گفتند بپاک شری ای تعلیم خدای تعالی در شان توین
 و چنین آبی فرستاده است تعلیم پیش رسول الله علیه و سلم
 اند و گفت اینک زکوة مال من قبول کن رسول الله علیه و سلم
 فرمود که خدای تعالی مرا منته کرده است که زکوة از تو بگیرم تعلیم
 میگفت که خاک بر سر من کرد رسول الله علیه و سلم و بر او گفت که تو

سلی خیر ایشان شنید

Copyright © King Fahd University